

فتح الله بىنياز نويسنده و منتقد ادبى در گفتوگو با «شهروند»:

# بشربه چیزی فراتر از صلح نیاز دارد

• بیش از ۲ هزار سال است که عدهای از جامعه ایده آل سُـخن به میـان آوردهاند. چه تصویری از جامعه ایده آل در ذهن شــماوجود

امعه ایده آل نه تنها مفهومی انتزاعی مقوله ای است مختص فضای وهم و خیال که گرچه در حالت هوشیاری و فهم تعریف می شود، اما فقط به «رویای بیداری» تعلق دارد؛ همان سان که پرواز . ما فقط در «رویــای خواب» امکان پذیر اســت، این امکان پذیری به این علت اســت که در خوابهای ما زمین نیروی جاذبه ندارد. در جامعه ایده آل یا آرمانی است. بُرای این که بدانید چراجامعه آرمانی یا ایده آل شکل نمی گیرد رمان های «ما» اثر یوگنی زامیاتین و «۱۹۸۴» اثــُر جُرج اُرول و «دنیای قَشــنگُنو» اثر آلدوس هاکســلی را بخوانید و اگر بیشتر وقت دارید بروید سراغ داستانهای «فارنهایت چهارصد و ''ر''' پنجاه و یک''»، «میرا» و «تنهایی پرهیاهو» به تر تیب از ری براد بوری، کریستوفر فرانک و بهومیل هرابال. تمام این آرمانشــهرها همان طور که پوپر در کتاب چهار جلدی اش «جامعه باز و دشــمنان آن» نشان می دهد، و خودمان در عمل دیدیم، ضدآر مانشهرها یا ویرانشهُرهاً یا ناکجااَبادهایی بودند که فُقر و ، وفسادو فضاى امنيتى را وسيعتر وعميق تراز

روست و نصحهای پیشین کردند. حکومتهای پیشین کردند. استالین جانشـین لین، که می توان اور ابه همه چیز متهم کردمگر عدول از راه لنین، طی یک روز به اندازه شصت سال حکومت ترازی آدم کشت.

بــارى،امروزه جامعــه ايده آل در ادبيات، شــکل دیگری یافته است برای نمونه رمان ﴿آیا مصنوعیها خواب گوسفند برقی می بینند» اثر فیلیپ، کی. دیک نویسنده شاخص آمریکایی (۱۹۲۸–۱۹۲۸) که رایدلی اسکات فیلمی به نام «تیغ رو» (BLADE) RUNNER) ساخته است.

ناگفته نگذارم که شیخ شهید، شهابالدین سهروردی همهدفعات از ناکجاو ناکجاآبادنام می رد. باتوجه به زمان زندگی شیخ می بینیم این عارف خیلی زودتر از توماس مور به آرمانشهر می اندیشید. سخن خودراباقطعهای از او به پایان می برم: ی بردر بدسته هار توبه پایان می برم: «پرستیدم که خبر ده که بسزرگان از کدام صوب تشریفدادهاند؟

آن پیر که بر کناره صفه بود، مرا جــواب داد که ما جماعتی مجردانیم،از جانبخاکجاآبادرسیده. فهم من بدأن نرسيد. پرسيدم كه أن شهر از كدام الساست؟

--, گفت اقلیمی که انگشت سیابه بدان راه نداند.»

#### منظور شمااين اس ـت که چنین جامعه ای تاکنون - حتی در زمانی کوتاه - محقق نشده است، وامیدی به امکان تحقق آن هم در واقعیت وجودندارد؟

ستانهاو فيلمها تحقق يافته این جامعه در داست ناها و میبهها باطعی یافته است، اما در واقعیت خیر. در داستان (که به هر حلق ژرف ساخت فیلم هم هست) به این دلیل محقق شده است که داستان به طور کلی یعنی جعل و ساختگی (FICTION) اما در واقعیت این نوع جامعه حتى يک روز هم شــکل نگرُفتــه و نخواهد گرفت.

ر درباره امید به شکل گیری اینچنین جامعهای می توان هر نوع امیدی داشت، اما فکر می کنم حق با ی رح ر ر کی ۱۰۰۰ کا رک کا کا رک کا ۲۰۰۰ کا رک کا ۲۰۰۰ کارل ریموند پوپر، یکی از شاخص ترین فلاسفه قرن بیستم بود که می گفت: «ین دنیا نه بهشت است و

دومقوله «صلح» و «نوعدوستی»، به مثابه مهم ترین ارکان انسانی یک جامعه یاد کرد. هرچه این دو مقوله، فضای بیشتری را در افکار و اذهان مردم در

بك جامعه پر كند، آن جامعه به لحاظ «انساني» فربه تر است. امامسأله اي كه در اين ميان، مغفول واقع شده و می شود، این است که پیش نیاز ، محرک و عنصر تولید کننده صلح و نوعدوستی در یک جامعه، «عدالت» ست. به طوری که صلح بدون عدالت، سست و تههٔ مایه و خام است. مادامی که مردمان یک سرزمین، از عدالت، بهره چندانی نبرده باشند، نمی توان به صلح وانســـانیت، دل خوش داشت. چراکه در این شرایط، دمزدن از صلح و توصيه و ترغيب مردم به آن، دلخوش كنكى بيش نيست. گرچه در كشورها و جوامعى كه ت؛احتمالاابزاریاستبرایسیاس ى،صلحجويىونوعدوستى،چيزعميقىنيس سرگرم کردن خود،ومردم آن سرزمین.

ندەومنتقدادېي به گفتو گونشستيم.از او درباره جامعه ايده آل و درباره این موضوع، بافتحالله بی نیاز، نویسنده ومنتقداد بی به گفت و گونشستیم، از او درباره جامه امکان تحقق آن، صلح، انسان وشأن او در دنیای امروز پرسیدیم که پاسخهای او در ادامه می آید.

نه جهنم، اما هر کس سعی کرد آن را بهشت کند، خصلت جهنمی آن را افزون تر کرد.»

## • دومقوله «صلح» و «نوعدوستی» برای شما نه معنایی دارد؟ و گمان می کنید لواز موجود یا

فقدان این دو چه باشد؟ وقتی من و شما به خاطر چهار چیز به ظاهر ساده، بعنی «قدرت، ثروت، شهوت و شهرت»، حق و حقوق ديگرى را پايمال نُكرده باشيم، تازه مىشويم انسانى ستاده بر مدخل نوعدوستى؛ و اگر زمانى بخشى ۔ از وقت و امکانسات خود را فارغ از نگرش سیاسی و اجتماعی و دین و مذہب و قومیت دیگران، صرف آنها کردیم –حتی اگر از لحاظ فکری در تضاد باما باشند-می شویم نوعدوست. صلح یعنی فقدان جنگ واین، به تنهایی کافی نیست. مثل این است که بگوییم ... فلان کارمند آدم درستکاری است چون دزد نیست. بشر به چیزی فراتر از صلح نیاز دارد. به گفتههای زیر نگاه کنید، ابتدا گفته های لنین (یک سیاستمدار توتالیتاریست(تمامیتخواه)وکودتاچیدگماتیست کـه او و یارانش دهها ســال چندین و چنــد ملت را به ورطُه فَقُر و فساد و کشــتار کشاندند)، و سپس به

نفتههاى چُهارفيلسوفنويس لنین می گفت: «ما تا زمانی خواهان صلح م که به پیروزی خوددر مستیم که پیروری عود: جنگ اطمینان نداریم به محض این کـه چندان نیرومنـد شـدیم که بتوانیم دشــمن را نابود کنیم، فــورا وارد عمل

اســت.»

نوشته بود:

«کســانی که تشــنه

حكوميت

استبدادي

هنــگا م

مے شویچ» در نقطه مقابل او، کانت ســاُل پیش گفته بــود: « حکومتی که مسردم حق رای بدای جنگ از ماده ترین امور

جنگ بر ضددشمن نقشه می کشند و هنگام صلح بر ضدمردم کشور خودشان توطئه می کنند.» مارتین لوتر کینگ معتقد بود که: «صلح تنها غیاب تنش

كه: «جنگ يك جور فرار بزدلانه از سختي هاي صلح ے.. به باور شــما در شرایط کنونی دســ ب بورست در سریت سری سی بست به رز پ کسانی دارند؟ پوتین آدمکش سابق که گهب، با هفتاد میلیارد ثروت، عمرالبشیر وابوکر بغدادی یا کسانی چون گاندی و نلسیون ماندلا و واسلاو هاول رصران متوفای هندو آفریقای جنوبی و چک؟ البته رهبران متوفای هندو آفریقای جنوبی و چک؟ البته آن چندجنایتکارجنگی حرفهایی برای گفتن دارند وحتی به علم و تاریخ و باورهای دینی و مذهبی مردم هم متوسل می شوند، شاید هم راست بگویند، اما «راست گفتن با صداقت داشتن» تفاوت ماهوی دارد. به قول نیچه: «سگ منشی تنها صورت نزدیک شدن روانهای پست به راستگویی است، وانسان والا باید در برابر هر سگ منشی، خشن یا ظریف، گوش نیز کند، و هُر گُاه که یک دلقک بی شــرمٌ یا مس

،حضور عدالت است.»و توماس مان باور داشت

اهل علم رویاروی او سخن می گوید، این فرصت را بر خویشتن خجسته شمارد.» ارزیابی شــمااز جامعهای که در آن زندگی می کنیم (جامعه ایران) چیست؟ و این جامعه تا چه اندازه از یک جامعه ایده آل فاصلهدا، د؟ به عقیده من بهتر است با طرح این

پرسش به شعور مخاطب توهین نکنیم، زیرا جامعه ما به چنان حدی از فساد و ہی بندو باری سیاسی و لاقیدی اخلاقی دیگری ہے آن پرداخت

## 

#### امروز باسعدى شيراز

## حذركن زبيكاركمتركسي

همـی تـا برآیـد بـه تدبیـر کار چـو نتـوان عـدو را به قوت شکسـت گــر اندیشــه باشــدز خصمــت گزنــد عـدو را بجـای خسـک در بریــز چــو دســتی نشــاید گزیــدن، ببــوس به تدبی رستم در آبید به بنید عدو را بــه فرصت تــوان كند يوســت

مـدارای دشـمن بـه از کارزار به نعمت ببایند در فتنیه بس بـه تعویـذ احسـان زبانـش ببنــد کیه احسیان کنید کنید، دنیدان تیز که بـا غالبان چـاره زرق اسـت و لوس کے اسےفندہارش نجست از کمنے یـس او را مـدارا چنان کن که دوست کـه از قطـره سـیلاب دیـدم بسـی حــذر کــن ز پیــکار کمتــر کســی

## یکخبر|یکنگاه

# پارك سرخه حصار محفوظ مي ماند

خبر عبور اتوبان شهید شوشتری از میان پارک خه حصار، که در هفته گذشته عنوان شد، موجی اُز نگرانی را در میان مسردم و فعالان حوزه محیط زیست به وجود آورد. پارک سرخه حصار که از سال ۱۳۵۹، در لیست آثار ملی قرار گرفته است، قرار بود تا اتوبانی را از میان خود گذر دهد که به گفته مسئولاتش، اثرات بسيار مناسبي را در عبور و مرور شـرق تهران به وجود می آورد. اما گذر این اتوبان از پارک ملی خود محل مناقشات بسیاری بود تا آنکه در نهایت داریوش گل علی زاده، . یا رف ار معاون فنی ادارہ کل محیط زیس ت استان تهران در خُصوص ایـُن نگرانی بــهُ ایلنا گفــت: اَجراُی این طرح از اولویتهای شــهرداری در ســال ۹۴ خارج شده اُسَت و طرح ارزیابی زیست محیطی این پروژه در اداره کل استان تهران بررسی و در

مرحله اول همه گزینههایی طرح شده در مورد احُـداتُ اتّوبان رد شَـد. گُلعلَـی زاده همچنیُن افـزود: شـهرداری تهـران پـروژهای را در ضلع شــرقی تهران دارد که در مورد مس توافق نرســیدیم. در مورد گزینههای دیگر نیز اگر مســیرها به تایید کمیته ارزیابی برسد، پس از آن در مورد روش فنی اجرای آن بحث می کنیم تا به لحاظ زیست محیطی مشکلی را ایجاد نکند، اما فعلا ۴ گزینهای که شهرداری تهران مطرح کرده بود در کمیته ارزیابی زیستمحیطی استان تهران

ً گفتــه معاون فنی محیط زیســت تــا حدودی توانست بســیاری از فعالان این عرصه را آرام کند هُرچند همچنان نگرانی ها در خصوص حفظ حریم محدوده این پارک پا برجاست.

فضيلتهاى ناچيز

## PA

یار خب. گمان می کنید بزر گترین

ه بسیدر حبد مصوری ..... برر ، ر ... مشکلات و معضلات اجتماعی و انسانی جامعه ایران،چه چیزهایی هستند؟
کلیت ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی

جامعه ماداری مسلطان پرسخاری است و اریسه باید تغییر کند تنوسیه می کنم آثار تالیفی و ترجمه ای عدممعدودی، مثلا آثابان عزت الله فولاوزید داریوش آشوری، ناصر فکوهی و حسین بشیرید را بخوانید تا به گوشه ناچیزی از این مشکلات پی ببرید حتی تیتر کردن آنها بیش از ۱۰ هزار کلمه می شدود از

امروز، در جایگاه معقول و شایستهای قرار

رق. بایسد دیداز نگاه چه کسسی؟ زمانسی گوبلز گفته

بیت دنید از دماه چه نستی. رمانی نوبتر نصح بود: «خوشبختی انسان قرن بیستیم در این است که اگر خود نابغه نیست، دست کم می تواند در خدمت یک نابغه باشید.» و شیما حتما خواندید

که این دیدگاه که بر آلمان و در مقیاس وسیع تر و عمیق تــری بر شــوروی آن زمان و ایتالیا و اســـپانیا حاکم بود، چـــه فجایعی را رقـــم زد، امروزه برعکس

شده است، به قول معروف هیچ صلیبی نیست که

کسی خود را به آن آویزان کند واگر هم باشد، کسی یا آن رانمی بیند یــااگر ببیند، راهش را کج می کند.

امروزه فردیت – و نه حتما فردگرایی – که محصول و همپاواز ارکان مدرنیسے است، مهم است. گرچه

بشر در مُقَابِلُ عظمتُ و هولناکی این همه سازههای

. منقُولُ وغيرمنقول ناچُيز جُلوه مي كند،اما هر ُفردي

مى تواند خلوت، منش و منيت خود را داشته باشد و

ر چه جامعه آزادتر و دموکراتیکتر باشد، بیشتر به

خویشتن خویش»بپردازد این رویکرددر جوامعی

که حکومتها باهمه چیز «فرد» کار دارند و حتی در

سلیقههٔای او در مقیاس وسیعی دخالت می ورزند،

كافيست نگاهي همه جانبه و ژُرف به جهان بيندازيد.

جــدااز آن آدم کشهاو دمها جنایتــکاری که امروز

. قدرت و ثــروِت را در اردوگاه به جا مانده از شــوروی

عی پیسید در حرید و سیده با حاکم است که شصت میلیون نفر را آواره کردهاند، در آمریکا و انگستان و فرانسه عدهای مقدرات کشورها

ا در دست دارند که جای شان در دفتر و کالتشان ست نه جایگاه ریاست جمهوری و صدارت که مدام

بينيد، در أفريقاو أسياهم كلكسيوني از أدمخواران

البته من از دیدگاه کلی خوشسبین نیستم

و همپا و از ار کان مُدرنیسم ا

چندان ممکن نیا

ــان» و شـــأن او، تا چه اندازه در دنیای

جامعه ما دارای مشــکلات پرشِماری اس

صفحه روزنامه فراتر مى رود

### برش

## آموزش فضيلتها

ناتالیا گینزبور گ

تــا آنجــا کــه مربــوط بــه تربیت بچــه ها میشود، فکر می کنم که به انهانباید فضیلت های ناچیز، بلکه باید فضیلت های بزرگ را آموخت. نه صرفه جویی را؛ که ســخاوت را و بی تفاوتی به پول را. نـه احتیاط را؛ که شهامت و حقیر شهردن خطر را. نه زیر کـی را؛ که صراحت و ت بازی را؛ که عشــق به واقعیت را. نه سیاس عشق به همنوع و فداکاری را. نه آرزوی توفیق را؛ که آرزوی بودن و دانستن را...!



## **6** ▲

بشاگرد،منطقهای دور افتاده در استان هرمز گان. کشاورزی از رونق افتاده و نیز مردم به دلیل ضع بهناشت و درمان و مصرف آبهای آلوده باانواع بیماری ها دست بگریبانند در عَکس اول، زنی رامی بینید که ۵ساعت پس از عقرب گزیدگی قرار است به درمانگاهی که ۴ ساعت تا روستافاصله داردمنتقل شود.





بنالنداز دست پناهجویانی که سیاستهای نادرست آنها بسی خانه و کاشانهشان کرده است. بی دلیل نیست که میلیار درهای حزب به اصطلاح کمونیست یک میلیون کارگر چُینیُ شر کُتهای اپل ُدر همین کشور چین باماهی ۲۳۰ ساعت کار حداکثر ۲۷ تا ۳۰ دلار در ماه حقوق می گیرند، حزبی ها – که می توان تار را به همه چیز متهم کــردمگر اعتقاد به باورهای آن را به همه چیز متهم کــردمگر اعتقاد به باورهای مارکس –هنوز از مارکسیسم حرف میزنند، در حالی

رابه بهای واپسگرایی جامعه ، باز تولید کند كوتوله گرايىها؟فقط زمان پاسخ خواهدداد.

که مارکس تاکید کرده بود، «ثروت –نه رفاه –نتیجا دزدی است» در همان حال پوتین دیکته می کند که

رئیس جمهور لبنان از کدام قوم و مُذهب باشد و رجب طیب ار دوغان به فکر افتاده که بار گاه خلفای عثمانی

## فقر، فلاكت، سوء تغذيه و بيماري

